

(* Reading Comprehension strategies)

1, **Previewing** . در این مرحله از روی تقویم و روزهای مختلف در صفحات مختلف ، چند متن می شود قبل از خواندن .

2, **Predicting** در این مرحله اول هر بند یا پاراگراف برای رسیدن به جویس و متن تر خواننده می شود .

3, **Scanning** در این مرحله فقط روکش است که متن دنبال کند تا به تلفظ در یک است می شود و فقط آن را در کتری از زبان به بیار می کنیم ، بیشتر تاریخ ها ، کشورها ، سال روز تولد ، از این طریق پیدا می شود .

4, **Skimming** در این مرحله دنبال مطالب خاص می گردیم و باید بعضی از بخش ها و پاراگراف ها را بخوانیم پس کلمات اسر و زمان بیشتری طول می کشد نسبت به مرحله قبل .

5, **Finding clue** → 1, **Punctuation** : علامت گذاری ، ،
→ 2, **Phrases** In other words * in other hand

6, **Outlining** در این قسمت چهار چوب متن مشخص می شود که هر پاراگراف کدام است و شامل چه بخش هایی می شود ، نام هر بند نتیجه می آید ، این است برای دسته بندی کردن متن یا تبدیل متن ، باید آن را خوانده باشیم و به جزئیات آن احوال داشته باشیم .

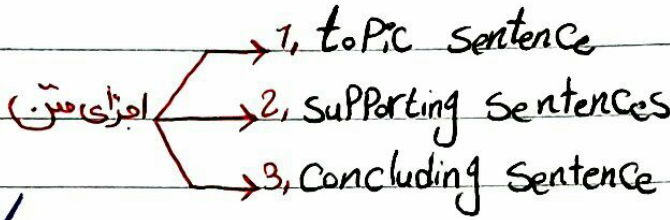
7, **Finding The main idea**

* **what is the main idea?** پاراگراف معمولاً از جملات است که به صورت منطقی در یک جمله به هم پیوسته اند ، هر پاراگراف از جملات است که به هم پیوسته اند تا مفهوم موضوع را به خواننده انتقال دهند و در هر پاراگراف یک جمله به ترتیب شماره قرار می گیرند که بتوانند مفهوم اصلی (Main idea) پیدا کنند .

* ایده اصلی هر پاراگراف موضوعی است که بیان آن ، هدف نوشتن آن پاراگراف بوده است . به عبارتی دیگر اگر خواهیم کل جملات پاراگراف را حذف کنیم و به جای آن یک جمله قرار دهیم که همان مفهوم را بیان کند آن جمله (Main idea) است .

8, **Summerizing** ما با اتقاد از این روش می توان متن را خلاصه کرد ، در خلاصه کردن متن باید موارد مهم در متن مشخص کرده و آن را با فهم خود بنویسیم این در حالی است که ما در اصل متن را که خوانده ایم .

9, **making inference** این قسمت شامل برداشت آزاد از متن خواننده شده است .



Topic sentence ← جملای دربارهی نویسنده را دربارهی عنوان (topic) متن بیان میکنند. بنابراین برای یافتن ایده اصلی پاراگراف (main idea) باید Topic sentence را پیدا کرد که معمولاً در اول پاراگراف وجود دارد. موضوع کلی متن بدون آنکه حفظ نویسنده در آن بیان شده باشد، Topic نامیده میشود. مثال: آلودگی، فیلین، تحصیل، ترافیک سنگین و... هر یک می توانند موضوعی برای نگارش باشند، اما برای اسم نویسنده بتواند این موضوع را در قالب یک پاراگراف بیان کند، بنابراین واحد دهنده مفهوم توضیحی جنبه از موضوع کلی سررازد، برای محدود کردن موضوع که جنبه کلی دارد نویسنده از جمله ای استفاده می کند که این Topic sentence می گویند.



همانگونه که می بینید Topic یک موضوع کلی را بیان می کنند. می توانه جنبه های مختلف داشته باشد.

* Topic sentence should have :

1, Clear topic *van opion or idea about the topic*

* a good topic sentence should not be :

1, too broad *خیله کلی* 2, too narrow *خیله جزئی*

Supporting sentences ← در عنوان Topic گفته می شود. این جملات پاراگراف که در

توضیح، تشریح، تبیین، استنباط، و رانغی ایده اصلی پاراگراف است S.S می گویند.

→ **Concluding sentence**: The concluding sentence may be found as the last sentence of Paragraph, it can finish a Paragraph by repeating the main idea or just giving a final comment about the topic.

(Conjunctions of time, Reason and Condition) (ترانس دروس ۱)

"حروف ربط زمان، علت و شرط"

حروف ربط (Conjunction)

* کلماتی هستند که دو جمله را به هم وصل می‌دهند و یک جمله مرکب به وجود می‌آورند. این کلمات کاربردهای مختلفی دارند که در این درس به حروف ربط زمان (when - as) علت (because - since - as) و شرط (whether... or) می‌پردازیم.

Exp: when we arrived at the Party Mary was cutting the birthday cake
حرف ربط / جمله شرطی / جمله اصلی / جمله مرکب

Exp: we can easily do the exercise since it is too easy.
جمله اصلی / حرف ربط علت / جمله شرطی / جمله مرکب

✓ همانطور که در مثال‌های بالا دیدیم حرف ربط می‌تواند در ابتدای جمله مرکب یا وسط دو جمله وارد بیاید.
✓ اگر حرف ربط در ابتدای جمله قرار بگیرد، قبل از جمله طره‌ی دوم از ویرگول (و) استفاده می‌شود.

(حروف ربطی ده‌تایی زبان)

(when-as وقتی که - هنگامی که)

۱. when ← به عنوان حرف ربط زمان از آن استفاده می‌کنیم.

✓ هرگاه عملی پس از عمل دیگر (با فاصله‌ی زمانی اندک) صورت بگیرد از when استفاده می‌کنیم.

وقتی که صدای زنگ در را شنیدم در را باز کردم.
when I heard the door bell, I opened the door.

۲. when ← از when برای حرف ربط زمان، برای انجام دو عمل هم‌زمان استفاده می‌شود.

وقتی او به خانه رسید، آنها تلویزیون عاشاره می‌نمودند.
when he got home, they were watching tv.

وقتی در کلاس‌های بعد از ظهر شرکت می‌کند، احساس خواب‌آلودگی می‌کند.
she feels sleepy when she attends the evening classes.

۳. when ← از when برای اشاره به یک دوره‌ی زمانی خاص هم استفاده می‌کنیم.

دوستم وقتی در فرانسه بود توانست (زبان) فرانسوی را یاد بگیرد (ایش را به یک دوره‌ی زبانی).
My friend could learn French when she was in France.

این مهندس وقتی ۴۵ سال داشت لندن را ترک کرد.
The engineer left London when she was 45.

AS ← به عنوان حرف ربط زمان برای بیان دو عمل که به صورت همزمان اتفاق می افتند.

AS we walked along the street, we looked into the shops
همان‌طور که در طول خیابان قدم می‌زدیم، مغازه‌ها را نگاه می‌کردیم.

نکته = برای بیان کاهش یا افزایش تدریجی متناسب در طی یک دوره زمانی از as به معنای هر چه، هر قدر، هر قدر استفاده می‌شود ← (به عنوان ارباب دهنده تغییر همزمان)

AS you eat more, you get fater
هر چه بیشتر غذا بخورید، چاق‌تر می‌شوید.

* وجود صفت / مبتدا / تفضیلی (برتر) در جمله می‌تواند نشانه‌ای از کاربرد "as" در دو بخش همزمان باشد.
* از کلمه (as) به معنای (به عنوان) استفاده می‌شود که در این مورد حرف ربط نیست و پس از اسم می‌آید.

✓ My sister was employed ^{اسم} as a typist in the Company.
خواهر من به عنوان تایپیست در آن شرکت استخدام شد.

نکته شوری: برای بیان دو عمل همزمان می‌توان از حرف ربط while (همان‌طور که - وقتی که) استفاده کرد.
فرد حرف ربط (as) - when استفاده کرد.

✓ The mirror fell and broke while my mother was hanging it on the wall.
آینه هنگام آویز کردن آن به دیوار بود، کنه افتاد و شکست.

(since)

* ربط دهنده‌ی since (به معنای ربط دهنده‌ی زمان) هم‌اکنون استفاده می‌شود، در این صورت به معنای (از - از وقتی که) می‌باشد و به مبدأ زمان اشاره می‌کند. در این حالت ربط دهنده‌ها as - when - while نمی‌توانند جایگزین آن شوند.

✓ زمان گذشته ساده + since + زمان حال کامل (با فعل نقلی)

Test: Tom has not been able to find any friends _____ he began his search

1) because

2) since

3) whereas

4) whether

(سراسری از سال ۸۹ - ۹۰)

✓ حروف ربط دهنده دلیل: (زیرا - برای اینست - از آنجمله) (since - as - because)

* از حروف ربط دلیل با علت برای بیان علت و دلیل انجام کار استفاده می‌شود یعنی کارش را می‌کند به این جهت یا عملی انجام شده.

✓ As we had no food, we decided to go to the restaurant.

چون هیچ غذای نداشتیم، تصمیم گرفتیم بر سر سفره برویم.

✓ we went out for a walk since the weather was fine.

چون هوا خوب بود، برای پیاده روی بیرون رفتیم.

✓ she has a very strong body because she does a lot of exercise.

چون او زیاد ورزش می‌کند، بدن بسیار قوی دارد.

* توجه داشته باشید که **because of** با **because** تفاوت دارد بعد از **because of**

دلیل - به دلیل جمله کنار نمی رود. پس از آن اسم، ترکیب اسمی یا ضمیر می آید و در حالتی که **because** ربط دهنده است پس از آن جمله می آید.

✓ we didn't keep on traveling **because of** ^{اسم} wind

به علت طوفان به سفر ادامه ندادیم

✓ we didn't keep on traveling **because of** ^{اسم صفت} strong wind.
 ترکیب اسمی

به علت طوفان شدید به سفر ادامه ندادیم.

خواه ... خواه ... **whether... or...** چه ... چه ... " **ابطا دهنده ی شرط** "

✓ **whether... or...** به عنوان ابطا دهنده ی شرط، بیانگر این است که با انجام هر یک از دو عمل قفاد یا وجود هر یک از دو شرط مختلف، یک نتیجه حاصل خواهد شد.

✓ در واقع هیچ یک از دو شرط در نتیجه خاصی تأثیری ندارد.

✓ Exercising is an excellent way to feel happy **whether** you do it alone **or** with you friends.

شکل بدن را هم عالی برای حس شادمانی است

رستخوابی آنرا انعام دهد، چیدان دوستانتان

✓ یکی از تفاوت در ربطه با حرف ربط whether به معنای (آیا - نه آیا) این است که در صورت مترادف با (if) است و پرسش غیر مستقیم را بیان می کند.

✓ He wasn't sure whether/if he had locked the door, so he went back to check.
او مطمئن نبود که آیا درب را قفل کرده است (باید) بنابراین برگشت تا آنرا چک کند.

✓ در مورد پاسخ دادن به است هایی که به ... whether ... or وجود در جمله همیشه نمی تواند نشانه خوبی برای انتخاب whether باشد ممکن است or در سوال باشد اما پاسخ whether باشد.

Test: I've offered her job, but I don't know — she'll accept it.

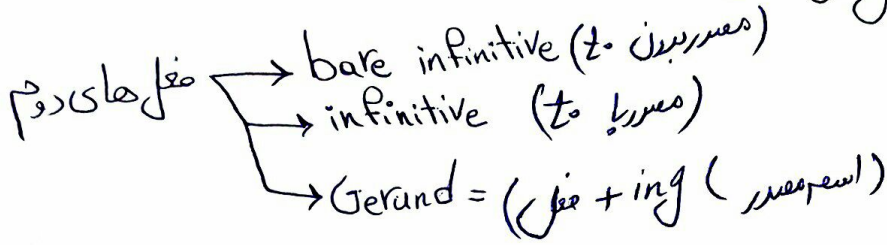
- 1) whereas 2) since 3) because 4) whether

✓ آن شغل را به او پیشنهاد کرده ام، اما نمی دانم آیا آن را خواهد پذیرفت (یا خیر)

گرامر درس دوم

(کاربرد صیغ فعل دوم بعد از فعل اول)

قاعده کلی: وقتی دو فعل پشت سر هم قرار بگیرند، فعل اول تابع تشخیص و زمان است در حالی که فعل دوم صرفاً تابع فعل اول است.



اجازه دادن

از مصدر بدون

مصدر بدون to (شکل ساده فعل) + مفعول + مصدر بدون

let
make
help

مفعول
مصرف کردن

- ✓ She lets her children do what they want. (او به فرزندانش اجازه می دهد آنچه می خواهند انجام دهند)
- ✓ I made him give me the money back. (او را مجبور کردم پول را به من پس بدهد)
- ✓ He helped the old man cross the street. (او به پیر مرد کمک کرد تا از خیابان رد شود)

نکته: بعد از فعل help فعل دوم هم می تواند مصدر با to باشد هم بدون to. (با هم تفاوت ندارند)

✓ help + مصدر با to / مصدر بدون to + مفعول

The Teacher helped the student solve / to solve the hard problem.
معلم به دانش آموز کمک کرد تا مساله سخت را حل کند.

✓ بعد از Let ← فعل دوم مصدر بدون to استفاده می شود
✓ بعد از Permit - allow - ← فعل دوم مصدر با to استفاده می شود.

✓ Mina's father **allowed** her to use his car.
پدر من با اجازه داد تا از ماشین استفاده کند.

✓ Their Parents don't **Permit** them to Play in the yard.
والدینشان به آنها اجازه نمی دهند که در حیاط بازی کنند.

✓ بعد از فعل **Make** (معیور کردن) ← فعل دوم بصورت مصدر بدون to استفاده می شود.
✓ بعد از فعل **Force** (معیور کردن) - **Cause** (سبب شدن) ← فعل دوم بصورت مصدر با to می آید.

✓ The man **forced** them to **repair** the road.
آن مرد آنها را معیور کرد تا جاده را تعمیر کنند.

✓ The heavy Traffic **caused** me to be so late

✓ اگر فعل **Make** به معنای (درست کردن) باشد پس آن فعل بصورت مصدر با to می آید

✓ The old woman **made** some tea to drink.
پیرزن مقداری چای برای نوشیدن درست کرد (دم کرد)

✓ عبار: can't - couldn't help فعل به صورت اسم مصدر (مغل ing دار) کنار می رود.
در ضمن حالاته فعل help ← به معنای: جلوی گرفتن ... از ... جلوگیری کردن است.

✓ when I heard his Father had died, I couldn't help crying.

✓ وقتی شنیدم پدرش فوت کرده بود، نتوانستم جلوی گریه ام را بگیرم.

نکته = در صورتی که فعل اول (به جز Let) به شکل مجهول یا بار رود فعل دوم به صورت مصدر یا به کنار می رود.

✓ Mrs. Karimi made her daughter wash the dishes. (عبار معلوم)

✓ Her daughter was made to wash the dishes.

مفعول
مصدر to

ساختار کلی افعال مجهول به صورت to be + P.P

✓ برای بیان روش، حالت و شوهی انجام کار از ساختار ing + فعل + by استفاده می کنیم

* by ← حرف اضافه است

* بعد از حرف اضافه ← فعل به صورت اسم مصدر (ing دار) می آید

✓ The Thief entered the house by breaking the window.

✓ دزد با شکستن پنجره وارد خانه شد.

نکته: اثر (اسم مصدر + by) در ابتدای جمله باید به از شیب جمله اول و کنترل (و) هم ندارد.

✓ By showing some pictures to your audience, make your lecture as interesting as possible.
باز نشان دادن تعدادی تصویر به حضار، سخنرانی را تا آن حد جذاب کند.

در ساختار و تیره از پریم ← از مصدر با to استفاده می کنیم.

It + be + صفت + (for + مفعول) + to + مصدر با to ...

✓ It is impossible for an elephant to move faster than a horse.

برای فعل غیر ممکن است که سریع تر از اسب حرکت کند.

✓ It is important to be on time. سروقت آمدن مهم است.

نکته = در صورتی که فعل "stop" به معنی (ایستادن - توقف کردن) باشد، پس از آن مصدر با to استفاده می شود، اما اگر به معنای (دست کشیدن از کاری - جلوگیری کردن) باشد فعل بصورت (اسم مصدر + ing + فعل) به کار می رود.

✓ The taxi-driver stopped to buy some cheese.

راننده تاکسی ایستاد (توقف کرد) تا مقداری پنیر بخرد.

✓ The taxi-driver stopped smoking after a long time.

راننده تاکسی بعد از مدت زمان طولانی، سیگار کشیدن را ترک کرد (سازداشت).

✓ پس از حروف اضافه (on - in - about - with - without - by - at - before ...) اسم مصدر با می رود (ing + فعل)

✓ The little girl insisted on going to Park.

آن دختر کوچک، اصرار داشت که به پارک برود.

تذکره = در صورتی که فعل make (مجبور کردن) در ساختار مجهول بکار رود پس از آن مجبور یا to می آید.

✓ All students were made to give a lecture in the class.

همه دانش آموزان مجبور شدند در کلاس یک سخنرانی ارائه دهند.

Test: you can add variety to your speech by + ing your voice.

1) rising

2) raise

3) raising

4) rise

(سراسری تعبیری - ۸۷)

Test: Ali's mother advised him to go too near the lion's cage in the zoo.

1) Not go

2) not to go

3) to not go

4) does not go

(سراسری ریفی - ۹۰)

Reduced Adjective clauses (تبدیل جمله وابسته وصفیه به عبارت وصفیه)

(گراف در س سوم)

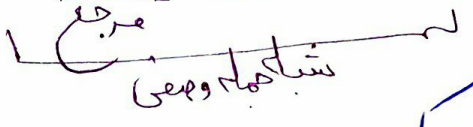
مباداوری Adjective clause: جمله وابسته (شبه جمله ای) است که یکی از ضمائر موصولیه را آغاز می شود و برای توصیف اسم (انسان - حیوان - شیء) به کار می رود. و اطلاعاتی را که اسم اراده می دهد این شبه جمله ها، برای اسم، نقش صفت را انجام می دهند.

(ضمائر موصولی ← *That - who - whom - which - whose*)

(۱) ضمائر موصولی who/That (برای انسان در حالت فاعلی)

... + مفعول + فعل + *who/That* + مرجع (انسان) ✓

* In some countries People who Produce Trash are Punished.

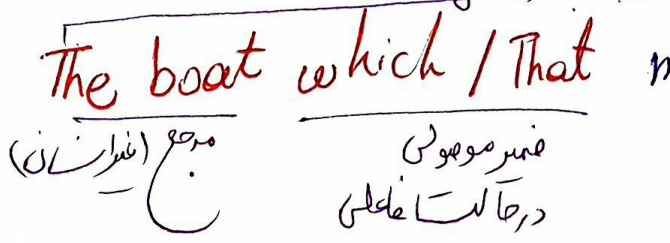


در بعضی از کشورها، افرادی که زباله تولید می کنند مجازات می شوند.

(۲) ضمائر موصولی That / which (برای غیر انسان در حالت های فاعلی و مفعولی)

... + فعل + *which/That* + مرجع (غیر انسان) ✓

* My friend bought The boat which / That moves very fast.



اختیار ۲ (مرجع غیر انسان در حالت مفعولی) ۳

... + فعل + فاعل + which / That + مرجع غیر انسان ✓

* They sold The Painting which / That was bought last week.

همه چیز موصولی (مفعولی) / ضمیر موصولی
 که همان تابلوی نقاشی را که هفته پیش خریدم شد، فروختند.

نکته = در حالت مفعولی می توان ضمائر موصولی That، whom، which را از جمله حذف کرد

* The boy whom you punished, got good marks.

→ The boy you punished, got good marks.
 پسر را که شما تنبیه کردید، نمره خوبی گرفت.

نکته = در صورتی که بعد از ضمیر موصولی در حالت فاعلی زمان فعل بصورت استمراری باشد باید to be را از جمله حذف کرد.

* The man who were sitting in the Park, were very old.

→ The Man ~~who~~ sitting " " " "
 مردانی که در پارک نشسته بودند، بسیار پیر بودند.

کوتاه کردن جمله واره های وصفی: ① در صورتی که ساختار جمله واره های وصفی، ساختار جمله کلوم را داشته باشد. ضمیر موصولی را حذف می کنیم و فعل جمله واره را به فرم ing می نویسیم

ing + فعل + فاعل → ... + فعل + ضمیر موصولی + اسم (فاعل) ✓

✓ All over the world there are people who pollute the environment.

↪ All over the world there are people polluting the environment.

در سراسر جهان، افرادی وجود دارند که محیط زیست را آلوده می کنند.

توجه: در ساختار معلوم، اسم قبل از ضمیر موصولی، فاعل جمله ماضی و مضارع است و قاع
کل جمله نیست

② در صورتیکه جمله وابسته های وصفی ساختار مجهول [مستقیم سماع فعل] $tobe + P.P$ داشته باشد
ضمیر موصولی و فعل $tobe$ هر دو حذف می شوند. در فعل تنها به صورت $P.P$ در عبارات وصفی بکار می آید.

✓ $P.P + اسم (مفعول) \rightarrow tobe + ضمیر موصولی + اسم (مفعول)$

* The Photographs which were taken of the Earth were wonderful

↪ The Photographs taken of the Earth were wonderful.

عناویری که از تری زمین گرفته شدند، عالی بودند.

(Modification of Adjective)
 So, such (a/an), too, enough

(گرامر درس چهارم)

① کاربرد So

* کلمه so یک ریف دهنده است که در قالب دو ساختار زیر بنا می رود و به معنای (به قدری... که) یا (آنقدر... که) می باشد

نحوه = قسمت هایی که داخل پرانتز قرار می گیرند قابل حذف می باشند و استفاده از آنها اختیاری است

(جمله + That) + صفت / صفت + So ساختار ۱

✓ The story was so exciting That I read it twice.
 داستان آنقدر هیجان انگیز بود که آن را دوبار خواندم.
 صفت

✓ He drives so carelessly that he may have an accident.
 او آنقدر بی دقتی رانندگی می کند که ممکن است تصادف کند.

(جمله + That) + { اسم قابل شمارش جمع + many / few }
 { اسم غیر قابل شمارش + much / little }
 So + ساختار ۲

✓ There are so many students in the class that I can't find
a seat.
 اسم قابل شمارش جمع جمله

قدر دانش آموزان زیادی در کلاس وجود دارند که نمی توانم یک صندلی (جا) پیدا کنم.

✓ There was so much traffic in the streets that we couldn't
arrive on time.
 اسم غیر قابل شمارش جمله

کاربرد Such

ایجاد کنندهی Such به معنی (چنان - بقدری) می باشد

(جمله + that) + اسم قابل شمارش مفرد + (صفت) Such a/an ساختار!

✓ It was such a funny joke that we couldn't help laughing.

آن جوک بقدری بامزه بود که نتوانستیم جلوی خنده مان را بگیریم.

✓ we saw such an interesting film that most of us liked to see it again.

چنان فیلم جالبی دیدیم که بیشتر ما دوست داریم دوباره آن را ببینیم.

Such + (صفت) + اسم قابل شمارش جمع }
+ (جمله + that) + اسم غیر قابل شمارش }

✓ I've never met such friendly people.

هرگز چنین آدم های مهربانی ندیده ام.

✓ It was such nice weather that we went out for walking

چنان هوای خوبی بود که برای قدم زدن بیرون رفتیم.

کاربرد too

کلمه too به عنوان قید به معنی (بسیار زیاد - خیلی) به جمله مقصود منفی می‌دهد و بیانگر غیرممکن بودن یادشوداری به وسیله از حد انجام کاری است.
* بعد از آن صفت یا قید صواب و طبعی ساختارهای زیر است.

... + مصدر یا to + (مفعول + for) + قید حالت / صفت + too ساختار

✓ The lesson was too hard for us to understand.

درس بسیار از حد سخت بود که آن را بفهمیم (نمی‌توانستیم آن را بفهمیم)

✓ she drives too slowly to arrive there on time.

او آنقدر آهسته رانندگی می‌کند که نمی‌تواند به موقع برسد (به موقع نمی‌رسد)

too ساختار ۲ { اسم قابل شمارش + many / few + (to) + ...
اسم غیر قابل شمارش + much / little + (to) + ...

✓ There were too many people and not enough chairs

راد بسیاری بودند و صندلی‌ها کم نبودند.

✓ Her brother has too much homework to do it this afternoon.

ادرس آنقدر تکالیف زیادی دارد که نمی‌تواند آنها را امروز بعد از ظهر انجام دهد.

کاربرد Enough

کلمه enough به عنوان قید بیانگر ممکن بودن انجام کاری می‌باشد و به معنای کافی - به اندازه‌ی کافی (است و طبق ساختار زیر کاربرد دارد).

... + مسرر یا to + (مفعول + for) + enough + قید / صفت ساختار ۱

✓ Katty is old enough to go to school.

کتی به اندازه‌ی کافی بزرگ شده است که به مدرسه برود (می‌تواند به مدرسه برود) ^{صفت}

✓ The taxi-driver drove quickly enough to get to the airport on time.

راننده تاکسی به اندازه‌ی کافی تند رانندگی می‌کرد که به موقع به فرودگاه برسد. ^{قید حالت}

... + مسرر یا to + (مفعول + for) + اسم + enough ساختار ۲

✓ There is enough money for you to take a vacation

دینی ا. التوفیق
1396/10/4
23:12

Dr. F. R. ...